



## همسرگزینی پرولتری

آردبدگاه

حزب کمونیست فلسطین (م-ل)

اتحادیه دانشجویان ایرانی دو آمریکا ، عضو  
 اتحادیه جهانی دانشجویان و محصلین ایرانی  
 هوادار " سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر "

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)

## در باره روابط بین دو جنس

مسئله رابطه دو جنس اساساً يك مسئله طبقاتی و مبارزه‌ای میان دو جهان بینی بودژوایی و پرولتری است. از آنجا که فولیپین يك جامعه نیمه مستعمره و نیمه فئودال است رابطه بین دو جنس و جنبه از فرهنگ ما را نشان میدهد: جنبه فئودالی و جنبه بودژوایی. مهذا جنبه بودژوایی بر جنبه فئودالی توفقدارد همچنانکه اقتصاد کمپرادوری بر اقتصاد ملاکی.

جهان بینی فئودالی رابطه دو جنس را بعنوان مقهوریت تمام وجود زن به قدرت اقتصادی مرد میبیند. زن بعلت جدائی اش از تولید اجتماعی الزاماً ضعیف و منفعل بوده و بنا بر این وابسته و تابع اراده مرد میشود. جهان بینی بودژوایی رابطه دو جنس را ایستا، یکجانبه (به نفع مرد و طبقه حاکمه) و جدا از پایه اقتصادی و فرهنگی موجود در جامعه میبیند. رابطه بودژوایی بین دو جنس بخشی از روبنا بوده و روابط تولیدی استثمار سرمایه داری را منعکس می‌سازد. در جامعه‌ای که همه روابط همچون روابط پولی طرح هستند، به زنان بدیده کالا و منبمی صرف، برای رها شدن و فراغت از اثرات تباهی آور سرمایه داری برخورد میشود. روابط بودژوایی دو جنس، مانند روابط سرمایه داری تولید برق، بتو استثمار و فودگرایانه و انحطاط آور است.

جهان بینی پرولتری از طرف دیگر کاملاً برخلاف اینهاست. این جهان بینی رابطه بین دو جنس را دیالکتیکی میبیند یعنی وحدت دو جنس. رابطه پرولتری دو جنس قسمتی از فرهنگ، نوظهوری است که روابط فئودالی و بودژوایی را نفی میکند. در نتیجه رهایی بخش و ترقیخواهانه و مطابق با شرایط عینی است.

تردیدی نیست که در این مسئله حزب طبقه کارگر وظیفه دارد که

موضع - بقاتی طبقه کارگر را برگزینند. حزب همیشه از تساوی دو جنس دفاع کرده است و علاوه بر آن به نحوی خلاف از آزادی در عشق، ازدواج و طلاق دفاع میکند. حزب معتقد است که مشکلات و اختلافات در رابطه دو جنس فقط فرهنگ مسلط و مبارزه طبقاتی موجود را منعکس میسازد. و اینکه مراحل تکامل مالکیت خصوصی باعث مظهریت زن در مقابل مرد شده است. حزب اعتقاد دارد که اجرای تساوی زنان با مردان باید منطبق با رابطه پرولتری بعنوان آنتی تری تسلط بورژوازی مرد، که غرض (منظور) آن تولید فرزندانی با اصل و نسب مسلم، بخاطر تامین توارث حقوقی مالکیت خصوصی است باشد. آگاهی و عمل به روابط پرولتری آن اسلحه ایدئولوژیک لازم برای مبارزه با شوینیسیم مرد و گسترش بخشیدن به تساوی بین دو جنس در صفوف ما میباشد.

حزب معتقد است که قادر است آگاهانه روابط پرولتری بین دو جنس را میان صفوفش در همین جامعه نیمه فئودال - نیمه مستعمره بوجود آورد. معیضاً اذعان دارد که تنها پس از تسخیر وسایل تولید خصوصی بورژوازی توسط پرولتاریا است که تساوی اساسی (واقعی) در رابطه دو جنس در جامعه فیلپین میتواند حاصل شود.

### اصول راهنمای ما

در تلاش به ایجاد يك رابطه پرولتری بین دو جنس ما باید از اصل تساوی بین دو جنس و اصل اولویت منافع خلق بر منافع شخصی زوج هسا پیروی کنیم. رابطه پرولتری بین شوهر و زن خود يك وحدت است، وحدت دو جنس در خدمت به خلق. این وحدت دو جنبه دارد: یکی وحدت دو جنس و دیگری وحدت در خدمت به خلق. بنا بر این در رابطه پرولتری بیسن شوهر و زن، ما باید از اصل تساوی دو جنس پیروی کنیم حال آنکه در بر-

خورد به تضاد بین زوج و جامعه ما باید از اصل خدمت به خلق پیسروی کنیم . ما در مبارزه بسوی يك رابطه پرولتری باید بر شیوه انتقاد و انتقاد از خود تکیه کرده و از رابطه ارزیابی منظم و متوالی داشته و تجارب خود را با سایر زوج ها در میان گذاشته و در داخل واحدهای خود مشترکاً بر سر مشکلات بحث کنیم . ما به عنوان کمونیست، نه تنها از نظر نابود ساختن کهنه ، و در این مورد رابطه فتودالی و بورژوازی بین دو جنس، بلکه از نظر ایجاد نو، و در این مورد رابطه پرولتری بین دو جنس نیز مسئول هستیم . در ذیل جوانب مختلف رابطه پرولتری بین دو جنس را بررسی می کنیم .

### ۱- همسر یابی

ما از امحای همسر یابی طرفداری نمی کنیم زیرا این خود مبین خواست مشخص برای داشتن يك همسر انقلابی است . مهذا ما باید رقابت بورژوازی و ایی در امر همسر یابی بدور افکنیم . يك خواستگار بورژوا با مصالحه گری که انبانی از هدایا و بنجل های پر زرق و برق با اضافه يك خروار لغات و عبارات خیرین و دلفریب برای بدست آوردن دل یکنخردار دارد . فوقی ندارد و غالباً آن خواستگاری که بیش از همه عرضه میکند پیروز میشود . خواستگار خودش را میفروشد همچنانکه دختر به بالاترین نرخ به مزایده میرود .

در همسر یابی فتودالی به زن همچون موجودی ضعیف نگریسته می شود که باید توسط زن نوازترین مردان مورد حمایت قرار گیرد . مهریسه تضمینی است که خواستگار توسط آن قادر به حمایت از همسر و خانسواده آینده اش می شود . همسر یابی پرولتری از این لحاظ تفاوت دارد که خصوصیات یکنفر را در مقابل دیگری قرار نمی دهد . چنانچه دو رفیق به

خواستگاری یکزن فرو بروند، باید مسئله را به طرفی فیکانه حل نمایند.  
بعلاوه، از آنجا که رفقا در پی کسب مالکیت نیستند، باین معنی که هدف  
بدست آوردن چیزی مانند یک کالا نبوده، بلکه بر عکس غرضشان گسترش  
یک رابطه باشد، در نتیجه رقابت به سادگی از میان میرود. همسریابی  
پروا تری بدو همسر فرصت میدهد که نسبت به یکدیگر بیشتر دید عینی  
داشته باشند.

حزب همچنین برای زن حق مساوی قائل میشود که به انتخاب پدر رفیق  
مرد برود. هیچ چیز نباید پل رفیق زن را از پیشقدمی در همسریابی  
باز دارد، و همچنین رفیق مرد نباید از این موضوع شرمند شده و یا  
نسبت به رفیق زن احساس حقارت کند. اگر چنین کند او فقط تفکر فتو-  
دالی خود را نشان میدهد. تفکر فتو دالی از زنان انتظار دارد نقش  
منفعل گرفته، با انتظار خواستگار بنشینند بجای اینکه خود به خواستگاری  
بروند، با انتظار دوست داشته شدن بنشینند بجای اینکه خود دوست بدارند.  
در رابطه بورژوازی بین دو جنس، با زنان چون کالای مصرفی رفتار میشود  
که باید به انتظار خرید شده شدن توسط خریدار ذینفع بنشینند.

مارکسیست-لنینیستها همچنین برای رفقای خود این حق را قا-  
بل هستند که چه زن چه مرد، برای خود همسری انتخاب کنند. هر چه  
آگاهی سیاسی رفیق بیشتر باشد ما باید بیشتر با او اعتماد کنیم که او  
در جستجوی خصوصیات یا قابلیت های انقلابی در زن یا مرد محبوبش می-  
باشد. برای کسی که دارای آگاهی سیاسی باشد، این پندار بورژوازی "در  
دام عشق افتادن" یا تعابیری چون "کنترل خود را از دست دادن"  
"از خود بیخود شدن" و "دستخوش هیجانات شدن" بی معناست. بنا بر  
این در انتخاب آزادانه همسر شخص باید بر اساس معیارهای پروا تری  
تکیه کند.

## ۲- درباره عشق پرولتری

حزب آگاه است که عشق پرولتری نمیتواند بدون هیچگونه رابطه عشق و جنسی منحصرا بر وحدت سیاسی بنا شود. اگر وحدت سیاسی تنها اساس عشق بود، آنگاه ما با سانی عاشق هر کس در درون جنبش دمکراتیک ملی میشدیم در حالیکه ما یکبار بر بقیه ترجیح میدهیم.

عشق پرولتری دو جنبه دارد، سیاسی و شخصی. نبودن یکی خود بخود ماهیت آنرا نفی میکند. جنبه سیاسی اصلی و جنبه شخصی فرعی است. در عین حال که جنبه اصلی خلقت رابطه پرولتری را تعیین میکند نمی توان انکار کرد که عنصر شخصی، احساس متقابل یا دو جانبه، یک عامل بی چون و چراست پس از آنکه برابطه سیاسی در انتخاب یک همسر بکار رفت آنگاه عنصر شخصی که فرعی است اصلی میشود. معینا در تکرار رابطه سیاست تفوق دارد. تمام رفقای درون حزب از وحدت سیاسی برخوردار هستند اما دقیقا وحدت شخصی که از وحدت سیاسی نیرو میگیرد است که رابطه زناشویی داخل حزب را از سایر روابط متمایز میسازد.

## ۳- ازدواج، عشق آزاد و تک همسری

ازدواج پرولتری باین مفهوم آزاد است که از نظر ملاحظات اقتصادی تعصبات مذهبی و فشارهای اجتماعی که مانع از آن میشود که شخص چه زن و چه مرد کاملا عشق خود را به شخص محبوبش بدهد، محدود نیست. بدیهی است که مفهوم از پنداشت بورژوازی (عشق آزاد) که چیزی نیست مگر فرار از مسئولیت های ازدواج (مانند پرورش کودک، وفاداری، مخانه داری پسرای زنان و نان آوری برای مردان) متفاوت است. البته "عشق آزاد" در آغاز بعنوان اعتراضی علیه ریاکاری و دودوزه بازی بورژوازی ظاهر شد، اما بعد خود بر موضوع فساد اخلاقیات بورژوازی افزود و در تحلیل آخر "عشق

آزاد" فساد را تشدید کرده.

حزب علیه اخلاقیات بورژوازی که ریاکارانه بر قرارداد ازدواج بود -  
ژوایی " مشروع بودن فرزندان " تکیه میکند اما در عین حال به گرمی  
بازار فحشاء و تحصیل پول زیاد از راه هرزه نگاری (پورنوگرافی) می  
افزاید، مترض است. حزب در عین حال که اخلاقیات بورژوازی را خوار می  
شمارد به پرپا داشتن اخلاقیات پرولتری تاکید می ورزد. این موضوع  
باید هر گونه شائبه ای را در این مورد که مراسم ازدواج صرفاً يك  
آداب و تشریفات است از میان ببرد. ازدواج حزبی دلالت بر دیسیپلین  
پرولتری در رابطه عشقی جنسی است. سیاست حزب در این باره همیشه  
روشن بوده؛ بدون وجود يك عقد ازدواج حزبی نباید هیچگونه روابط  
زناشویی بین دو رفیق برقرار باشد. برای رفقای که با افراد غیر حزبی  
ازدواج میکنند همچنین يك عقد ازدواج انقلابی لازم است. مهذا این  
موضوع بدان معنی نیست که حزب ازدواج رفقای را که در موسسات فتووالی  
یا بورژوازی هنگامی که هنوز عضو حزب نبودند بسته شده، به رسمیت نمی -  
شناسد. اما از آنجا که آنها اکنون رابطه زناشویی شان بيك رابطه  
پرولتری تغییر شکل می یابد، این رفقا موظف به يك عقد ازدواج حزبی  
هستند. مراسم ازدواج حزبی آرمانهای پرولتری را منعکس میسازد که  
این مراسم ساده و بی آرایش است. این امر به معنای میدان دادن به  
رمانتیسیم ایدئالیستی نیست چرا که نقاط ضعف و قوت دو همسر را در نظر  
دارد. عقد ازدواج حزبی بر روی مسئولیتهای سیاسی و شخصوزن و شوهر  
نسبت به یکدیگر و فرزندان شان و کلاً نسبت به انقلاب تاکید می ورزد.  
اخلاق پرولتری تك همسری را نه فقط برای زن بلکه برای شوهر نیز تایید  
میکند. بسیار متفاوت از اخلاق فتووالی و بورژوازی که بر اساس آنها زن  
باید عفیف و وفادار بماند در حالی که مرد سرگرم هرگونه روابط عاشقانه -



نه دیگری است. تک همسری بورژوازی فقط برای زن است و برای مرد در واقعیت چند همسری میباشد.

### حق طلاق

ازدواج پرولتری تک همسری است در حالیکه غیر قابل فسخ نیز نمی باشد. همانگونه که همه چیز تغییر میکند. ازدواج یک تضاد است وحدت و مبارزه در راه منافع سیاسی و شخصی زن و شوهر. بعنوان یک تضاد وحدت در ازدواج نسبی است و مطلق نمی باشد، با درک از این مسئله حزب به زن و شوهر حق مکرراتیک طلاق را میدهد.

از آنجائیکه فیلیپینها از گذشته تحت تسلط تفکر کاتولیک و فئودالی میباشند طلاق را منع کرده و غیر قانونی بودن طلاق یک "راه حل" برای جلوگیری از خیانت میباشد. طلاق پرولتری فقط مناسبات شخصی ازدواج را فسخ می کند. یعنی روابط زناشویی بین دو رفیق زن و مرد و نه مناسبات سیاسی بین آنان را. برخلاف طلاق بورژوازی، حزب به هر دو طرف ازدواج حق تقاضای رسمی طلاق را میدهد، بدون اینکه برای زن یک احساس شرمندگی و خجالت باقی بگذارد. اگر چه این نباید بعنوان دعوت و یا تصدیق برای رفقا محسوب شود که متوالیا چندین بار ازدواج نمایند. حکم طلاق فقط در صورت رضایت و موافقت دو طرف و با سنجیدن تمام ملاحظات سیاسی صادر میشود. بجز در مواردی که یکی از طرفین به انقلاب خیانت کند، که در این صورت طلاق خود بخود انجام میشود. زیرا اصل اساسی روابط پرولتری که همان اصل سیاسی است، از بین رفته است. در نتیجه بعلمت ملاحظات سیاسی، ازدواج حزبی نمی تواند بسادگی فقط با خواست یکی از طرفین ازدواج فسخ گردد. صرف نظر از بودفایی، موارد احتمالی دیگر برای طلاق مخیانت و عدم ارتباط و رابطه برای مدت زمان طولانی میباشد. موارد خیانت کاملاً تحقیق میشوند و طرف خطا کار تحت عمد تادیبی قرار میگیرد.

زمانیکه عمل‌های پیچیده و یا رابط‌های بین‌طرفین وجود ندارد، مدت پنج سال انتظار برای ازدواج مجدد یکی یا هر دو طرف کافی خواهد بود. اگر چه این قضیه الزاماً پایه مادی ازدواج پرولتری را نفی نمی‌کند، این سیاست اساساً قبول دارد که عشق جنسی زود گذر و موقتی است، پایدار و ثبات آن بستگی به شرایط زمان دارد.

اغلب مشکلات زناشویی می‌توانند با انتقاد و انتقاد از خود از طریق یک بحث جمعی در واحد یکی از طرفین رفع گردند. حزب فقط در موارد نهایی یا طلاق موافقت می‌کند. زمانی که پایه‌های رابطه شخصی آنقدر مستحده است که جدایی بنفع هر دو طرف می‌باشد، در چنین مواردی وحدت شخصی گسسته می‌شود در حالیکه وحدت سیاسی باقی می‌ماند مگر در موارد سیاسی

### جمع‌بندی تجربیات

در ضمن توسعه روابط انقلابی بین دو جنس، نارسایی‌های پدناچار به وجود می‌آیند. در این مرحله ما ادعای ایجاد روابط کامل پرولتری و یا تبدیل ساده و راحت روابط بورژوازی و فئودالی بین دو جنس را به یک رابطه پرولتری نمی‌کنیم. هنوز تفکر بورژوازی و فئودالی در روابط بین دو جنس میان رفقای ما به شدت وجود دارد. یک چنین تفکراتی مشکلات مختلفی را در کار سیاسی ما ایجاد کرده است. اگر چه این کمبودها قبل از ظهور حکومت نظامی بروز کرده بودند اما تحمیل قرارداد ۱۰۸۱ مشکلات را تشدید کرده‌اند. زیرا شرایط حاضر از خود گذشتگی بیشتری را از ما طلب می‌کند. متقابلاً برای برآورده کردن احتیاجات انقلاب، نیاز بیشتری نیز برای مستحکم کردن روابط پرولتری مان وجود دارد، و از همین رو احتیاج به این مقاله و موارد زیر:

الف- تنزل روابط تا سطح رابطه شخصی

برخی از رفقا روابط خود را تا سطح رابطه شخصی تنزل میدهند. اگر چه آنها با رفقای دیگر بحث سیاسی میکنند اما زمانی که با هم تنها هستند راجع به سیاست سکوت میکنند. دلیلی که آنها می‌آورند اینست که وقت کمی برای یکدیگر دارند و در ضمن مطالب سیاسی را میتوانند با رفقای دیگر مطرح سازند. در عوض جملات شیرین پوچ را برای یکدیگر زمزمه میکنند. فرد مطمئناً میتواند جویای موقعیت و شرایط طرف مقابلش و همچنین فعالیتها و مشکلات مربوطه هر دو شان شود. داشتن برخورد یک شوهر بورژوا که میگوید "بیا راجع به اینکه در اداره چه گذشت صحبت نکنیم چون تمام یل جنسی مرا میگذد" نشاندهنده نگرش به انقلاب بعنوان یک کار سخت و طاقت فرسات و از این جهت احتیاج به فکر نکردن در رابطه اش حتی برای چند لحظه وجود دارد. این صرفاً برخورد کردن به زن بعنوان یک وسیله تفریح و آرامش میباشد. بطور کلی در این مرحله رفقای مرد هنوز دارای نقش برتری در تصمیم گیری برای توسعه یک رابطه زناشویی پرولتری میباشند. بنابراین این رفقای مرد از مزیت خوب بالا بردن آگاهی ایدئولوژیک (سیاسی) همراشان برخوردارند.

### ب-حیا

برخی از زن و شوهرها از درگیری مبارزه عمیق ایدئولوژیک بین خودشان شرم دارند. مثلاً اینکه "غیر طبیعی" و "خشک" بنظر می‌آید اگر راجع به سیاست بحث شود هنگامی که باید در مورد عشق صحبت کرد. این یک نقطه نظر مجرد و ایستا راجع به رابطه بین دو جنس است و گویای فقدان شجاعت در درگونی چیزهاست، ما چگونه میتوانیم انقلابی باشیم اگر بدعت‌گذار نباشیم؟

اغلب زن و شوهرها حتی همیزان بیشتری از در میان گذاشتن مسائل زناشویی خود با واحدی که به آن تعلق دارند احساس شرم میکنند. چنین

تفکری که این گونه مسائل را شایسته مطرح شدن در جمع نمی‌داند، بشدت وجود دارد. در ازدواج‌هایی که خارج از مراسم حزب صورت گرفته است، خیلی پندرتدیده میشود که رفقا مسائل و مشکلات مربوطه به رابطه بین دو جنس را بطور کامل و مشخصه بحث گذاشته باشند. فقط زمانی که مسائل بسیار جدی ایجاد می‌شود رفقا بحث کردن درباره آن را از نظر سیاسی مهم می‌شمارند که تا آن موقع تضادها بالا گرفته، برخوردها سخت‌تر شده، آشتی‌ناپذیری شدت یافته و ریشه مشکلات دنباله دار گشته است. ملاحظه شده است رفقاییکه از طبقه دهقان آمده‌اند بعلت تفکرات فتودالی و خصلت "حیا" مایل به حفظ مشکلات در درون خود می‌باشند. در حالیکه در مورد رفقاییکه از طبقه خرده بورژوازی می‌آیند چنین تمایلاتی از فردگرایی بورژوازی ناشی میشود. رفقاییکه از طبقه خرده بورژوازی آمده‌اند و اغلب مردان بیشتر از زنان از بحث درباره روابط زن و شوهرها ابراز تنفر و انزجار میکنند و آن را بعنوان دخالت و فضولی می‌بینند. آنها دارای این نقطه نظر نادرست می‌باشند که تصور میکنند اینگونه مسائل تأثیری بر روی کار سیاسی‌شان ندارد. حال اینکه هر رابطه بین دو جنس دارای جنبه شخصی میباشد و اقمیتی است. اما ما نباید به ضرورت بحث جمعی برای تضمین ارجحیت جنبه سیاسی در آن کم بها بدهیم. برای رفقا در میان گذاشتن مشکلات با واحدی که در آن کار میکنند بسیار ضروری میباشد. زمانی که آنها در رسون بیک وحدت ایدئولوژیک بعد از بارها بحث خصوصی موفق نشده‌اند بطور کلی بحث جمعی باعث توسعه و رشد بیشتر روابط پرولتری در صفوف ما خواهد شد.

ج — "آزادی روابط جنسی"

یکی از مسائل و مشکلات در بین تعدادی از رفقا در رابطه با جنسی با دو یا چند نفر در یک زمان است. (نه لزوماً با رفقا). این رفقا آگاهانه

نه و یا نا آگاهانه این تصور را دارند که این آزادی بمان آزادی جنسی در روابط پرواتری است. منظور ما از آزادی روابط جنسی پرواتری اینست که یک رفیق میتواند آزادانه انتخاب کند، اظهار عشق و علاقه و یا درخواست ازدواج به یک فرد و نه چند نفر در یک زمان بکند، بدون اینکه هیچ یک از موانع اقتصادی، مذهبی، اجتماعی بتوانند سدی در مقابل او ایجاد کنند. منظور ما از آزادی گرد هم آوردن و انتخاب اشخاص به سبک بورژوازی نیست. و یا نمی تواند این باشد که عنان گسیخته و نسجیده بدون در نظر گرفتن مسئولیت های شخصی و سیاسی نسبت به رفقای مربوطه و یا حزب و توده ها درگیر یک عشق سوزان تند و زود گذر شد.

صریحا گفته شود رفقای مرد هنوز قاعده اصلی حزب در رابطه با سوء استفاده نکردن از زنان را درک نکرده اند. رابطه غیر صادقانه آنها با زنان تنها بیان کننده نظر تحقیر آمیزشان نسبت به جنس زن و همچنین درک پائین آنان از شرایط مادی ایست که باعث استثمار و استثمار زنان گشته و اساسا لزوم آزادی زنان میباشد. چنین رابطهای فرق چندانی با معیارهای بورژوازی که به زن بعنوان یک وسیله تفویح و تفریح مینگرد ندارد. هنوز این دروغ غلط "استثمار همراه با رضایت" وجود دارد. برخی از رفقا برای توجیه سوء استفاده شان از زنان این بحث را دامن میزنند. آنها مطرح میسازند که این زنان از قبل میدانستند "درگیر چه رابطهای گشته اند" و از این رو درگیر شدنشان در رابطه عاطفی با ما بر اساس تصمیم مستقل خودشان بوده است. آنچه مسلم است ما کسیست. لنینیستها هرگز اظهار نمیکنند که دهقانان و کارگران "استثمار همراه با رضایت" میشوند چرا که خودشان واقفند تن به چه رابطهای داده اند. و این یک حقیقت تاریخی است که استثمارگران همیشه استثمار کردن را بنوعی توجیه کرده اند.

از طرف دیگر رفقای زن میباید همچون جزء تفکیکناپذیری از مبارزه انقلابی در راه رهایی زنان، مراقب باشند که فریب تبلیغات بورژوازی در باره "انقلاب جنسی" را نخورند. مارکسیست-لنینیستها به نظریه بورژوازی "رابطه جنسی و عشقی بیبند و بار" که متعاقبا فریب دادن و تحقیر کردن و رفتار غیر انسانی نسبت به زن را دنبال دارد صحنه نمیگذارند. اعمال انضباطی باید در مورد تمام رفقا صرف نظر از موقعیت حزبی شان قاطعانه اجرا شود. حال آنکه این حقیقت دارد که در قضاوت کردن درباره یک رفیق میباید هم موفقیت و هم نارساییهای او را در کارهای سیاسی اندر نظر داشت و از این رو موفقیتها نباید همچون "سپری" در مقابل رعایت دیسپلین حزبی قوار بگیرد بلکه هرچه موفقیت رفیق بسا مسئولیت تر باشد او بیشتر موظف به رعایت انضباط میباشد.

### د- صرفا سیاسی

برخی از رفقا این تصور غلط را دارند که گویا وحدت سیاسی بدون هیچگونه رابطه عشقی و جنسی برای داشتن یک رابطه <sup>زنناشویی</sup> پروگتاریایی کافیست. حال آنکه امکان دارد وحدت سیاسی به یک وحدت شخصی بیانجامد. اما در هر صورت این نباید دلیلی برای تحمیل یک رفیق به دیگری باشد. مواردی دیده شده که رفقای زن یا مرد دارای رابطه ای بر اساس "دلسوزی و ترحم سیاسی" شده اند. برهانهایی از قبیل: "جواب برد" به یک رفیق دادن مشکل است" و یا "من حاضر به قبول او هستم زیرا نمیخواهم باعث ناراحتی رفیق بشوم چرا که ممکن است بر روی فعالیت سیاسی او اثر منفی بگذارد" که نشانه دستکم گرفتن رفقا است و باعث محافظه کاری کردن میگردد. رفقا باید حقایق را هر اندازه که دردناک باشد بدانند. به علاوه جنبه شخصی رابطه نیاز به صمیمیت دارد و اگر هر دو رفیق احساس جنسی و عاشقانه ای نسبت به یکدیگر نداشته باشند رابطه شان نمی تواند

از گستردگی وسعت برخوردار گردد. و از اینرو رابطه صادقانه‌ای نخواهد داشت. در حال حاضر رفقای مزدوج دارای یکسری مشکلات میباشند بخصوص آنهایی که از طبقه خرده بودزوازی آمده‌اند و این مسائل و مشکلات با درجات متفاوتی بر روی کار سیاسی‌شان تاثیر نامطلوب گذاشته است. در اینجا به بررسی تعدادی از آنها میپردازیم.

### ۱- پناهگاه امن در انقلاب

يك مورد عادی اینست که چون در پی تهیه معاش می‌رود (منظور مازنی است که در حزب یا سازمان توده‌ای فعال بوده است) در حالیکه شوهر تمام وقت در خدمت به جنبش فعالیت میکند. از صداقت بدور خواهد بود اگر زن و شوهر بگویند که کار کردن زن نوعی فعالیت سیاسی است زیرا پولی که بدست می‌آورد در راه پیشبرد امر انقلاب بکار می‌رود. وظیفه اصلی انقلابیون تهیه و بسیج توده‌هاست و از آنجائیکه رفیق مربوطه بعنوان کادر تربیت‌شده است، بسیار حیف است که توان و نیروی انقلابی او بطور کامل مورد استفاده قرار نگیرد. امکان دارد زن و شوهر هنوز در فکر "پس انداز برای آینده" باشند، اگرچه شوهر تمام وقت خود را وقف جنبش میکند، اما ممکن است هنوز در اندیشه يك "پناه امن" باشد، یعنی جایی که بتواند در موقع احتیاج به استراحت و مادیات بانجا برود. از طرف دیگر زن احساس میکند فراهم ساختن چنین پناه و آسایشی و..... وظیفه اوست. برخی از رفتای زن هنوز در فکر داشتن يك "زندگی خانگی معمولی" هستند جایی که هر دو آنها بتوانند مزه "آسایش" و "خلوت" يك زندگی بودزوازی را بچشند. برخی از زن و شوهرها تا جایی پیش می‌روند که حتی به فکر خریدن و یا اجاره جایی هر فای خودشان می‌افتند. نه فقط رفقای زن بلکه رفقای مرد نیز يك چنین سیستم فکری دارند.

امکان دارد که شوهر اگر تمام کارهای سخت و خسته کننده خانه را بدوش زن نیانداخته باشد، از تمام فعالیت کردن زن جلوگیری نماید. این مسئله زمانی که مبارزه محادتر می‌شود افزایش می‌یابد. شوهر در واقع وظیفه فتودالی حمایت از زن در مقابل کارهای سخت و توان فرسا را انجام می‌دهد. او انقلاب را امری سخت و شاق میدانند تا کاری بس عظیم و با شکوه همچنانکه هست. او تحت پوشش تعهد، ترس از مبارزه را مخفی می‌کند. او نمی‌خواهد زنش "سخت و رنج" بکشد همچنانکه خودش "سختی" میکشد. این بیان کننده دید منفی از انقلاب است. اما اساسا نشانه تفکر برتر بینی مرد نسبت به زن میباشد که زنان را بدون استثنا "ذاتا مخلوقات ضعیفی" میداند که احتیاج به حمایت و نگهداری دارند. رفا از درك مسئله غافل میمانند که اولین قدم در راه آزادی واقعی زنان از کسار طاقت فرمای خانگی و محدوده تنگخانه، یعنی چائیکه قونها (از زمان پیدایش مالکیت خصوصی تا مرحله سرمایه داری) در آن به انقیاد کشیده شده‌اند. باید آنها کاملاً و با تمام وجود به مبارزه انقلابی کشانده شوند، باید زنجیرهای اسارت آور آشپزخانه، رختخواب و بچه داری از دست و پایشان گسته شود. باید از هدر دادن نیرویشان در کارهای پیش‌پا افتاده، بگرف کنند و غیر تولیدی جلوگیری شود. از طرف دیگر رفقای زن باید قاطعانه زوال و بیهودگی را به فعالیت تمام و کمال در امر انقلاب بدل سازند و اجازه ندهند که تفکرات فتودالی "ناتوانی" و "ضعف" بر آنها مستولی شود. و نیز او (رفیق زن) نباید خود را قانع به انجام کارهای صرفاً جنبی و کمکی در امر انقلاب نماید. چگونه ما کمونیستها میتوانیم جنبش‌های زنان را به جلو سوق بدهیم زمانی که می‌گذاریم تفکرات فتودالی و بودژوازیستی در برابر رهایرفقای زن



### ۳- زن و شوهرهایی که مخالف فعالیت جدا از یکدیگر هستند

حزب در نظر دارد که در صورت امکان زن و شوهر دارای فعالیت جداگانه ای نباشند. یا حداقل در يك ناحیه فعالیت نمایند. بنابراین این اغلب رفق باید بدانند که اگر زمانی حزب تصمیم به دادن مسئولیتی میگیرد که موجب جدایی ایشان میشود بخاطر نیاز فراوان به این امر میباشد. چنین رفقای نیاز موجوده را نمی بینند. اصل اساسی اینست که به سیاست ارجحیت داده شود باید توجه داشت دوری موقت دراز مدت در رابطه شخصی آنان نیز تاثیر مثبت خواهد گذاشت.

حال به جنبه ثانوی، جنبه شخصی می پردازیم:

اغلب رفقای زن نا آگاهانه و به درجات مختلف به سیاست و تحلیل شوهر خود وابسته هستند. تعداد قلیلی از رفقای زن مستقل از شوهر خود رشد سیاسی کرده اند. چرا؟ باین دلیل که تعداد بسیاری از رفقای زن هنوز به شدت تحت تاثیر نقش برتری مرد در روابط بورژوازی و فتودالمی زنناشویسی میباشد. از اینرو روند موجود هنوز همان وابستگی به مرد میباشد دوری و جدایی کمک به شکستن این نوع وابستگی میکند. در موارد بسیاری بعلت نقش فرعی داشتن نسبت به فعالیت سیاسی شوهر و یا بدلیل جدایی ناپذیری از او (شوهر) قابلیت و کیفیت سازنده رفقای زن مورد بهره برداری واقع نشده است. جدایی موقت باعث شکوفایی کیفیت انقلابی فرد میشود. همچنین

زن و شوهر را متوجه این مسئله میسازد که تنها در کنار یکدیگر بودن دلیل گسترش وحدت سیاسی نمی باشد. جدایی موقتیک تصویر روشن و دقیقی را کلا از رابطه بدست میدهد. جنبه های شخصی و سیاسی رابطه در طی انجام فعالیت انقلابی به وضوح و صراحت بیشتری دیده خواهد شد. به عبارت دیگر

تنها در اثر وظایف انقلابی است که رابطه آنان تصحیح میگردد.

### ۴ « وفاداری »

مواردی پیش آمده که شوهر اختلافاتو یا تضادهایی با رفقای دیگر پیدا میکند و رفیق زن بتصور اینکه باید به شوهرش وفادار بماند در پشتیبانی از وی همان مواضع را اتخاذ میکند. او حتی ممکن است تصور کند که با اینکار عشق و توجه خود را به او ثابت کرده است. او وحدت خود را با شوهر مطلق و وحدت با رفقای دیگر را مشروط به وحدت آنان با شوهرش میداند. رفقای مربوطه باید بخاطر داشته باشند که رابطه پرولتری بین دو جنس در پایه وحدت شخصی نمی باشد در غیر این صورت ما هیچ رفیقی با عشاق فتودال و یا بودزوا که میگوید " عشق فاتح همه چیز است " نخواهیم داشت. وحدت شخصی زن و شوهر نباید باعث گسستن وحدت سیاسی آنان با رفقای دیگر بشود. او ( رفیق زن ) بعنوان يك عنصر مترقی در انقلاب باید مراقب باشد که قضاوت سیاسی اش تحت تاثیر غرض و دزدی و تعصب شخصی او قرار نگیرد. در ضمن او نباید حتی موضع بی تفاوت، لیبرال، " من در وسط گیر کرده ام " اتخاذ نماید. او باید مسائل را آنطور که هستند ببیند و همچون يك ماتریالیست پیگیر از انتقاد کردن نهراسد.

در ضمن مشکلات دیگری نیز وجود دارند از قبیل اینکه رفیق آزاده زن فکر میکند که او نباید تعهد سیاسی خود را با تعهد سیاسی شوهرش یکسان و برابر سازد، که فرضا اگر زمانی شوهر از فعالیت انقلابی " باز می ماند " او نیز " باز بماند " و این نمونه روش رابطه ای است که وحدت شخصی بعنوان اصل در رابطه قرار میگیرد. از طرف دیگر او باید بداند که بعنوان يك زن وظیفه پرولتری اش با او حکم میکند که شوهرش را در تصمیم گیری واقعی یاری کند.

تمام مطالب فوق در مورد زنها و شوهرهای دربند و همچنین بیوههای

زن و مرد انقلابی هادق است . دستگیری و یا مرکزیک همسر انقلابی بایست باعث افزایش شود و شوق انقلابی در دیگران گردد و توان انقلابی را آن - چنان برانگیزاند تا دامنه انقلاب در بزرگداشت بیاد آن رفیق گسترده - تر گردد . رفقا نهایت وفاداری را نسبت به زن و یا شوهر خود و نه نسبت به انقلاب نشان میدهند زمانیکه حاضرند فقط در کنار او باقی بمانند حتی اگر به قیمت رها کردن فعالیت سیاسی شان تمام شود . آنها به مسئولیت شخصی خود نسبت به زن یا شوهر خیلی جدی تر از مسئولیت سیاسی شان نسبت به توده ها برخورد میکنند . این در مورد آن رفقای هم که کارشان را محدود به رسیدگی به احتیاجات و نیازهای زن یا شوهر خود کرده اند ، صحت دارد . رفقای که زن و یا شوهر خود را از دست میدهند نباید تسلیم غم و غصه بشوند بلکه باید افسردگی خود را بیلشور انقلابی مبدل سازند .

### ۱۰ خیانت

خیانت عقد ازدواج حزبی را نفی میکند ، باعث نیرنگ و بی عدالتی نسبت به زن و یا شوهر هر کدام که باشند میشود . صریحاً رفقای مربوطه - ای که قاعده انطباقی حزبی را طبق گواهی موجوده نقض کرده اند نباید از انعقاد و اعمال تادیبی حزب مبرا گردند . از طرف دیگر کسانی هستند که معتقدند فقط يك مورد خیانت برای گستن پیوند ازدواج کافی است در حالیکه مثل همیشه رفقای که مرتکب اشتباه میشوند شانس جبران خطای خود را دارند . بهر جهت اگر خیانت لطمه زیادی به رابطه زده است ( با وجود تلاشهای دسته جمعی واحدها و طرفین برای حفظ این رابطه ) در این صورت دلیلی برای جلوگیری از طلاق وجود ندارد . گستن وحدت شخصی بمعنای گستن وحدت سیاسی نمیباشد ، طرفین همپنان دو رفیق باقی میمانند ، اما دیگر زن و شوهر نیستند . بعضی از رفقا ممکن است نسبت به ازدواج با افراد غیر حزبی و غیر -

انقلابی بی‌اعتنائی نشان بدهند. آنها این تصور اشتباه را دارند که ازدواج خارج از حزب اجباری نیست و یا باین دلیل که زن و یا شوهر او يك فرد انقلابی نیست از این جهت بعودن كمك به انقلابی شدن نشان بدن بال کسی می‌رود که انقلابی می‌باشد. باید گفت که رفقا از رابطه با زن و یا شوهر غیر انقلابی احساس پوچی می‌کنند. آنها باید به مطالعه و بررسی نتایج و اثرات سیاسی این جدایی بپردازند. رفقا باید بخاطر داشته باشند که تصمیمات شخصی هرگز عاری از مفاهیم سیاسی نیستند. در ازدواج‌هایی که از طرف يك رفیق حزبی یا يك فرد غیر حزبی یا غیر انقلابی صورت می‌گیرد رفقا با مسئولیت سیاسی باید به حل اختلافات و مشکلات زناشویی بپردازند و فقط در این صورت است که رفقا به يك رابطه نوین دست می‌یابند.

## ۶- فرزندان

عده‌ای از رفقا اظهار میدارند که بچه‌دار شدن ضروری است زیرا آنها می‌خواهند که "نسل دوم سیاسی" متعلق به خودشان را داشته باشند. اغلب رفقای مرد فرزندان خود، بخصوص فرزندان پسر، را بعنوان جانشین خود می‌انگارند. این ادامه تفکر فئودالی "بقایای قبیله" می‌باشد. از آنجائیکه پرورش فرزندان مستلزم قبول مسئولیتهای سنگین شخصی و سیاسی است زن و شوهر باید کاملاً بطور جدی با واحدهای خود در رابطه با زمان بچه‌دار شدن و همچنین چگونگی پرورش پرولتری فرزندان مشورت نمایند. (بمعنای علمی و جمعی) - به زبان دیگر زن و شوهر باید يك برنامه خانواده تنظیمی را که بر اساس شرایط مشخص تعیین شده است با در نظر گرفتن فعالیت سیاسی واحدهای آنها که بآن تعلق دارند، اتخاذ نمایند. خیلی مواقع بچه دار شدن بعنوان يك چیز تصادفی و غیر منتظره بوده است این نشانه لیبرالیسم و فقدان يك دیسیپلین و همچنین پادادن به اینکه شهوت و هوای نفس بر آگاهی به نتیجه رابطه جنسی چیره شده، می‌باشد. يك

سلسله از مشکلات از همین جا ناشی میشود یکی یا هر دو رفیق مزدوج "ملزم به رفتن" میشود. پدر بدنبال کار برای پرداخت هزینه زایمان همسر و مادر برای نگهداری و رسیدگی به احتیاجات نوزاد، و یا اتفاق می افتد که تمام بار مسئولیتها بدوش مادر قرار میگیرد. بنابراین او از جنبش و حرکت بازداشته میشود. و در هر صورت به فعالیت سیاسی آنان لطمه می خورد. اگر بچه دار شدن دارای برنامه می بوده، از بروز بکری مشکلات بی مورد (اتفاقی) جلوگیری میشود. علم بقدری پیشرفت کرده است که می توان از بچه دار شدن جلوگیری کرد و یا آن را به تعویق انداخت. راههای زیادی برای جلوگیری از بارداری وجود دارد که طرفین میتوانند ننداز آنها استفاده کنند. واحدهای سیاسی طرفین باید با در نظر گرفتن شرایط مشخص، بچه دار شدن زن و شوهر را تصدیق کنند و آنها نیز ملزم به رعایت فاصله زمانی میباشند.

#### ۱- مسئله اصرار به مجرد ماندن

عده ای از رفقا هستند که خیلی زود نسبت "خدمت زن" و "خدمت مرد" به رفقای میدهند که طرفداری از مجرد باقی ماندن میکنند. هیچ اشکالی در مجرد باقی ماندن وجود ندارد مشروط به اینکه رفقا آگاهانه از فکر کردن به ازدواج جلوگیری نکنند، مثل اینکه امکان یا احتمال آن هیچوقت وجود نداشته است.

زندگی مجردی انتخاب کردن زمانی غلط است که رفقا بعد از دیدن مشکلات و مسائل ازدواج رفقای دیگر و یا بدلیل از خود گذشتگی در راه انقلاب نتیجه گیری میکنند که ازدواج برای آنها درست نیست و حتی بیشتر زمانی که برخی از رفقای مزدوج بعایت ناتوانی خود در حل اینگونه مسائل شکست میخورند، با وجود نیازهای زیاد زندگی مشترک (زناشویی) درون جنبش آنها خودشان را دستکم میگیرند که از لحاظ ایدئولوژیک

برای يك چنین فداکاری آمادگی ندارند. آنها مشکلات را بطور ایستامی-  
بینند و از این جهت معیارهای ایدآلیستی برای خود قائل میشوند. آن-  
چه که آنها قادر بدیدنش نمیباشند ازدواج پرولتری است که نتیجه يك  
مبارزه ایدئولوژیک میباشد، يك حرکت کننده سازنده در انقلاب. وحدت  
فقط از طریق مبارزه بدست می آید و تغییرات کیفی در نتیجه تغییرات آهسته  
و تدریجی حاصل میشود.

### نتیجه

در تمام موارد عرضه شده در اینجا بخصوص آنچه مربوط به رفقای  
مزدوج می شود کسی نمی تواند بگوید که اشکال و راه حل فقط مربوط به زن  
یا مرد می باشد. از آنجا شیکه روابط پرولتری بین دو جنس منعکس کننده  
میزان برقراری تساوی بین زن و مرد میباشد هر روابط پرولتری بین دو جنس  
توسعه و گسترش خواهد یافت، اساسا اگر رفقا بطور کامل و دقیق اصول  
حزب را درباره جنبشها شیبخش زنان درك کرده باشند.  
بنظر منحصمراه حل هر مسئله بستگی به آن طرفی دارد که از لحاظ  
سیاسی دارای آگاهی بیشتری میباشد. اگر شوهر عنصر آگاهتر میباشد او  
باید به همسرش تفکرات بورژوازی و فئودالی که هنوز بدت وجود دارد در  
روابطشان تاثیر میگذارد تذکر و توضیح بدهد. و اگر زن عنصر آگاهتر  
میباشد او باید شوهرش را کمک کند که از تفکر بورژوازی و فئودالی خمسود  
ببرد. اما هرگونه مشکلی که پیش می آید باید همیشه شایستگی مطرح شدن  
در بحث جمعی واحدهای سیاسی طرفین را داشته باشد.





**UNION OF IRANIAN STUDENTS**

**In U.S. (U.I.S.U.S.)**

**P.O. Box 744**

**Berkeley, CA 94701**